

تحلیلی از آثار ابن حنبله

از: دکتر حسین قره‌چانلو

آغاز ترجمه و نقل علوم بیگانه از نیمه اول قرن دوم هجری، نیمه اول قرن ششم م. تا اوج آن، [در زمان مأمون]، در ابتدای نیمه اول قرن سوم هجری / اوایل قرن نهم م. علوم و فرهنگ بیگانه به همت مترجمین و ناقلین به دنیای اسلام وارد شد، و در زمینه‌های مختلف چون: طب، ریاضیات، کیمیا، فلسفه، منطق و غیره شکوفا گشت. در خلال این علوم اطلاعات جغرافیایی بسیاری از آثار علمای یونان ترجمه شد، که در زمینه راهها و چگونگی ثروت‌های طبیعی و آثار و شواهد شهرهای گذشته در قالب جغرافیای عمومی و جغرافیای ناحیه‌ای بود، که به پیشرفت علم جغرافیای اسلامی کمک مؤثری کرد. و سبب شد، دانشمندی در این رشته پدید آیند، و از پیشگامان و ارائه دهندگان نظریات جدید در زمینه جغرافیای اسلامی شوند. از آن جمله‌اند؛ ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خرداذبه (۱) سال تولد وی معلوم نیست، بعضی تولدش را ۲۰۵ هـ / ۸۲۰ م. و سال وفاتش را ۳۰۰ هـ / ۹۱۲ م. دانسته (۲) و عده‌ای سال درگذشت او

۱- التبییه والاشراف. مسعودی. ص ۶۶.

۲- زندگینامه علمی دانشمندان اسلام. ترجمه احمد آرام. بخش یکم. ص ۳۰. و

اكتفاءالقنوع. ص ۴۸.

را ۲۷۲ هـ. گفته‌اند (۳).

به گفته ابن ندیم (۳۸۵ هـ.) نام پدرش احمد [ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن خردادبه] بوده است (۴). حمدالله مستوفی (۷۴۰ هـ.) نام کامل او را، ابوالقاسم عبدالله بن عبدالله بن عبدالرحمن بن خردادبه الخراسانی گفته است (۵). نژادش ایرانی بوده، و نیایش چنانکه از نام او پیداست، مجوسی بوده است (۶). بگفته ابن ندیم خردادبه بردست برمکیان (۷) اسلام آورد، محتملاً یحیی بن خالد در این امر بی تأثیر نبوده است (۸). نام پدر بزرگش خردادبه یا خردادبه به‌هر دو صیغه از واژه‌هایی است که در ستایش خداوند بکار می‌رفته (۹) که صیغه اول به معنای «خورشید داد بهتر است» یا «داده نیک خورشید»، و صیغه دوم به معنای «خورشید بهتر داد» یا «آفریده خورشید نیک» گفته شده است (۱۰).

پدر ابن خردادبه در اوایل قرن سوم هجری / اوایل قرن نهم م. حاکم طبرستان در جنوب دریای قزوین بوده است، و بعضی نواحی دیلم را که پیش از او جزو سرزمینهای خلافت اسلامی نبود به اطاعت آورد و به همین سبب شهرت او بالا گرفت (۱۱). ابن خردادبه به سبب مکانت پدر خوب تربیت شد و به برکت وجود پدر موسیقی آموخت و مدتها شاگرد اسحق موصلی (۱۵۵-۲۳۵ هـ.) موسیقی‌دان مشهور عرب بود (۱۲). او

۳- ر.ک. تاریخ ادبیات عرب. عبدالجلیل. ص ۱۶۵.

۴- الفهرست. ابن ندیم. ص ۲۴۵.

۵- تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی. ص ۶۹۷.

۶- تاریخ الادب الجغرافی. کراچکوفسکی. ج ۱ ص ۷۵۵.

۷- الفهرست. صص ۲۴۵-۲۴۶.

۸- دانشنامه ایران و اسلام. ق ۴ (بخش اول). ص ۵۲۹.

۹- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱ ص ۱۵۵.

۱۰- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱ ص ۱۵۵ و دانشنامه ایران و اسلام. ق ۴ ر.س

(الف) ص ۵۲۸.

۱۱- ایضاً همان، ج ۱ ص ۱۵۵.

۱۲- ایضاً همان، ج ۱ ص ۱۵۵.

در بغداد توانست با مجامع اهل ادب رفت و آمد برقرار کند. بعدها در زمینه موسیقی و ادب و تاریخ به تألیف پرداخت (۱۳). سپس به ریاست کل اداره بریدولایت جبال منصوب شد (۱۴). در اینجا بود که بر آرشیه‌های دولتی دست یافت (۱۵). و برای کسب اطلاعات بسیار مفید درباره نواحی دوردست از شغل رسمی خود بهره فراوان گرفت (۱۶). سپس به ریاست کل برید بغداد و بعد از آن سامره منصوب گشت (۱۷). بگفته ابن ندیم: «او ندیم خاص دربار معتضد (۲۷۹-۲۸۹ هـ) عباسی بوده (۱۸). ولی مسعودی (۳۴۵ هـ) او را از ندمای دربار معتضد خلیفه (متوفی ۲۷۹ هـ) دانسته است (۱۹). گویند در فاصله سالهای ۲۳۰-۲۳۴ هـ / ۸۴۶-۸۴۸ م. در سامره در کنار دجله اقامت گزید (۲۰). ابن خردادبه در موضوعاتی چون تاریخ، نسب‌شناسی، جغرافیا، موسیقی، شراب و آشپزی کتاب نوشته و بدین سان فضل و دانش و استعداد درخشان خویش را در مسائل مربوط به حیات اجتماعی و فرهنگی عصر خویش نشان داده است (۲۱). انگیزه ابن خردادبه در نوشتن رساله‌های در جغرافیا آنطور که از گفته خود او استنباط می‌شود، بنا به میل خلیفه... بوده است (۲۲).

ابن خردادبه را بحق میتوان پدر جغرافیای اسلامی دانست، چون راه و روش جغرافیا نویسی به زبان عربی را پی‌ریزی کرد. ولی همانطوری

- ۱۳- تاریخ ادبیات عرب. عبدالجلیل. ترجمه. ص ۱۶۵.
- ۱۴- خدمات مسلمانان به جغرافیا. نفیس احمد. ص ۳۱.
- ۱۵- تاریخ ادبیات عرب. عبدالجلیل. ص ۱۶۵.
- ۱۶- خدمات مسلمانان به جغرافیا. صص ۳۱-۳۲.
- ۱۷- دانشنامه ایران و اسلام. ق ۴. ص ۵۲۹.
- ۱۹- مروج الذهب. ج ۴. صص ۱۳۱-۱۳۵-۱۳۶.
- ۱۸- الفهرست. صص ۲۴۵-۲۴۶.
- ۲۰- خدمات مسلمانان به جغرافیا، صص ۳۱-۳۲.
- ۲۱- زندگینامه علمی دانشمندان اسلام. بخش یکم. ج ۱. ص ۳۱.
- ۲۲- تاریخ الادب الجغرافی. ج ۱ ص ۱۵۶. و تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلام. مقبول احمد. ص ۱۷.

که کرامرز (آلمانی) گفته او مبتکر این شیوه [المسالك والممالك] نبوده و احتمالاً طرح و نمونه‌های کهن‌تر در این موضوع در اختیار داشته، به احتمال زیاد ترجمه‌های از متون پهلوی درباره ایران قدیم در دسترس وی بوده است (۲۳). او کتاب جغرافیای بظلمیوس را از یک زبان بیگانه [احتمالاً یونانی یا سریانی یا پهلوی]، به عربی ترجمه کرده است (۲۴). و همین مسأله باعث آشنائی او با جغرافیای یونانی شده، و از وصف او درباره حدود ربع مسکون جهان و تقسیم خشکی‌های جهان به اروپا (۲۵)، لوبیا (۲۶)، اتیوفیا (۲۷) و اسکوتیا (۲۸) به خوبی استنباط می‌شود (۲۹). با سازمان یافتن نظام پستی (برید) و گسترش جاده‌ها و ارتباطات وابسته به استقرار یک امپراتوری پهناور، انگیزه نوشتن کتاب‌های بسیاری در زمینه راهها و فواصل آنها [مسالك و ممالك]، فراهم آمد. بالنتیجه آثار مشهوری که همین عنوان را دارند، بوجود آمد (۳۰). بنابراین نخستین آنها که به صورت راهنمای سفر برای مسافران و بازرگانان، بر این روش تالیف شد، اثر معروف ابن خردادبه بنام المسالك والممالك بود (۳۱). این کتاب خلاصه‌ای از جاده‌های تجاری دنیای عرب را بیان می‌کند. و افزون بر آن اطلاعاتی درباره مناطق دور دوستی چون: چین، کره و ژاپن می‌دهد، که هرچند در بعضی جاها واقعیات با افسانه‌ها و شایعات درآمیخته است، اما جغرافی‌دانان بعدی همواره به آن (کتاب) مراجعه کرده‌اند.

۲۳- تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلام. ص ۲۲.

۲۴- زندگینامه علمی دانشمندان اسلام. بخش یکم صص ۳۰-۳۱.

25- Arufa

26- Lubyia

27- Itufia

28- Iskutiya

۲۹- ابن خردادبه. ص ۱۲۳. و تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلام. ص ۲۲.

۳۰- خدمات مسلمانان به جغرافیای. ص ۲۲.

۳۱- ر.ک. تاریخ عرب. حتی. ص ۴۹۱.

دریغاکه بدبختانه تنها ترجمه مختصری از این کتاب به نسل‌های بعدی رسیده است (۳۲). بارتولد براساس گفته دخویه می‌گوید؛ نسخه کامل جغرافیای ابن خردادبه... تا کنون به دست نیآمده است (۳۳).

مسعودی مورخ معروف اسلامی (۳۴۵ هـ.)، که از اثر ابن خردادبه بهره فراوان گرفته، می‌گوید: در وقت حاضر از همه این کتاب‌ها، اثر ابن خردادبه در میان خاص و عام معروف‌تر است (۳۴).

ابن خردادبه در المسالك والممالك، به جغرافیای اقلیمی و توصیفی و اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. نه فقط کشورهای اسلامی عهد عباسیان را توصیف می‌کند. بلکه به جهان غیراسلامی نیز توجه دارد. بخشهایی از این کتاب که راجع به جغرافیای ریاضی و طبیعی است مختصر و نارساست. او از اثر بطلمیوس و آثار عربی زمان خودش استفاده برده است. بخش اعظم کتاب او اختصاص به توصیف دقیق خط‌سیرها و جاده‌های ربع‌مسکون دارد. در اینجاست که پی‌می‌بریم موادی را که در اختیار داشته تکیه بر منابع جغرافیایی کهن ایرانی، و استفاده از گزارشهای دولتی، و کسب اطلاعات دست اول از تجار و سیاحان و ملاحان مسلمان بوده است، آرایش وارائه موضوعات در کتابش و بهره‌گرفتن از اصطلاحات فارسی برای تقسیمات جزئی مناطق و نواحی و بکاربردن اسامی فارسی، حاکی از تأثیر نمایان فرهنگ ایرانی است (۳۵). اما غرض ابن خردادبه، تألیف یک اثر ادبی نبوده به همین جهت به آرایش اسلوب خود توجهی نکرده است، از این جاست که می‌گویند: «در کتاب‌های فهرست‌گونه، اسماء خشک است. و در قطعات توصیفی بی‌روح و نامطمئن (۳۶). خصوصیت برجسته اثر ابن خردادبه در این است که بیان مطالب کتابش را بنابر جهات اربعه، یعنی

۳۲- خدمات مسلمانان به جغرافیا. صص ۳۱-۳۲.

۳۳- ترکستان‌نامه، ج ۱. ص ۵۷.

۳۴- التنبیه والاشراف. ص ۶۶.

۳۵- زندگینامه علمی دانشمندان اسلام. بخش ۱. ص ۳۱.

۳۶- تاریخ ادبیات عرب. ص ۱۶۵.

شمال و جنوب و مشرق و مغرب، از روی تقسیم جهان به چهار ربع گذارده است، چنین شیوه نگارش بایستی از سنت جغرافیایی ایرانی گرفته شده باشد (۳۷). که به گفته مسعودی، ایرانیان و نبطیان قسمت مسکون زمین را به چهار قسمت خورآسان «مشرق»، آپاختران «شمال»، خوربرآن «مغرب» و نیمروز «جنوب» تقسیم می کرده اند (۳۸). ابن خردادبه، عراق را با ایران شهر برابر گرفته و ناحیه سواد که در زمانهای گذشته دل ایران شهر نامیده می شد، در تقسیم بندی جغرافیای وی عنوان مرکزیت پیدا کرد، و کتاب وی با وصف همین سواد آغاز می شود (۳۹).

اثر ابن خردادبه با تمام ناهماهنگی که در مطالب آن وجود دارد. چون اولین اثر و نخستین نمونه جغرافیای اسلامی است، توانسته اثر و نفوذ بسیاری در تألیفات جغرافیایی بعد از خود بگذارد. مسعودی (۳۴۵ هـ) که آثار خود را بر روش تاریخهای عمومی چون تاریخ یعقوبی (۲۸۲ هـ) و تاریخ طبری (۳۱۰ هـ) گذارده، در استفاده از آثار جغرافیایی، مقلد خوارزمی (۲۳۲ هـ) و ابن خردادبه (۲۷۲ هـ) بوده است (۴۰).

ابن حوقل (۳۶۷ هـ) جهانگرد و جغرافی دان عصر عباسی، خود گوید، کتاب ابن خردادبه و جیهانی و... را هیچگاه از خود جدا نمی کردم (۴۱). نویسنده کتاب حدود العالم (۳۷۲ هـ) هم احتمالاً اثر ابن خردادبه جزء منابع او بوده و از آن سود بسیار بر گرفته است (۴۲). مقدسی (۳۹۰ هـ) در احسن التقاسیم بارها از ابن خردادبه نام می برد و در آغاز کتابش می گوید؛ در کتابخانه عضدالدوله (۳۷۲ هـ) کتاب جیهانی را بی ترجمه (نام مؤلف) یافتیم که برخی آنرا از آن ابن-

۳۷- علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام. مجله معارف. ص ۹۹.

۳۸- التنبیه والاشراف. ص ۲۸.

۳۹- علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام. ص ۹۸.

۴۰- تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه. ص ۳۵۲.

۴۱- تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. آدامتزر. ترجمه، ج ۲. ص ۱۲.

۴۲- خدمات مسلمانان به جغرافیا. ص ۴۱-۴۲.

خردادبه می‌دانستند. و سپس دو کوتاه‌شده از آن «دو کتاب» را در نیشابور با ترجمه «نام مؤلفین» آنها دیدم که یکی از آن جیهانی و دیگری از آن ابن خردادبه بود و هر دو در مطالب با هم هماهنگ بودند ولی جیهانی اندکی افزایش داشت (۴۳). بارتولد احتمال می‌دهد که جیهانی از تألیف ابن خردادبه استفاده فراوان برده باشد (۴۴).

گردیزی (۴۴۲-۴۴۳ هـ.) نیز تألیف ابن خردادبه و جیهانی را در شمار منابع اصلی خویش در تنظیم فصل مربوط به ترکان نام می‌برد (۴۵). ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ هـ.) در مقدمه خود اشاره می‌کند، ادیسی (۵۳۲ هـ.) که کتابش را در نیمه قرن ششم هـ. فراهم آورده، در تألیف آن از منابع بسیاری استفاده کرده که از آن جمله کتاب ابن خردادبه است (۴۶). محمد نجیب بکران (۶۱۷ هـ.) از علمای جغرافی‌دان قرن هفتم هـ. در اثر خود به‌هنگام تطبیق بعضی از مناطق جغرافیایی به‌اثر ابن خردادبه مراجعه کرده است (۴۷).

حمدالله مستوفی قزوینی (۷۴۰ هـ.) نیز در زمینه عجایب سرزمین-های مختلف و غیره از کتاب ابن خردادبه استفاده فراوانی برده است (۴۸). امین احمد رازی (۱۰۱۰ هـ.) در بخش جغرافیایی کتاب خود [هفت اقلیم]، از منابعی که استفاده کرده، از ابن خردادبه نام می‌برد (۴۹). میرخواند (ت ۹۰۳ هـ.) و خواندمیر (۸۸۰-۹۴۳ هـ.) نیز با کتاب ابن خردادبه آشنایی داشته‌اند (۵۰).

۴۳- احسن التقاسیم: ص ۴-۵.

۴۴- ترکستان‌نامه، ج ۱. ص ۵۵-۵۶-۵۷.

۴۵- ایضاً همان، ج ۱. ص ۵۷.

۴۶- مقدمه ابن خلدون. ترجمه، ج ۱. ص ۹۸.

۴۷- جهان‌نامه، ص ۷.

۴۸- نزهة القلوب، ص ۱۹-۲۲۹-۲۳۰-۲۴۳-۲۴۵ و...

۴۹- خدمات مسلمانان به جغرافیا، ص ۶۳.

۵۰- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱. ص ۱۵۸.

ارزش کتاب ابن خردادبه :

کتاب طبق معمول با اطلاعات مرسوم جغرافیای ریاضی و توصیف شکل زمین طبق نظر بطلمیوس آغاز می‌شود. مؤلف پس از فصلی کوتاه درباره جهت قبله در شهرها، قسمت مهمی را به سخن از سواد عراق اختصاص داده و تقسیمات اراضی و نوع خراج آنجا را یاد کرده و درباره تاریخ و نحوه گرفتن خراج و نوع زمین‌های زراعی و دریافت حق مقاسمه و مزارعه آنها مطالبی آورده، بطوریکه به کمک این توضیحات می‌توان بودجه دولت اسلامی آن روزگار را تنظیم کرد (۵۱). او مجموع خراج سواد را از نقد و جنس معادل ۷۸/۳۱۹/۳۴۰ درهم آورده است (۵۲). درباره قسمت مربوط به ایران ظاهراً از منابع پارسی قدیم استفاده برده و از پادشاهان ایران چون بزرگ کوشان شاه، گیلان شاه... آذرباذکان شاه، سجستان شاه، مرو شاه و غیره نام می‌برد (۵۳). و پادشاه روم و ترک و چین را یاد می‌کند و احیاناً القاب آنها را می‌آورد (۵۴). از آن میان «قناز» لقب پادشاه سقلا بیان درخور ملاحظه است (۵۵).

واژه «پادکوسبان» یا «پادوسبان» که عنوان فرمانروایان بعضی از سرزمینهای ایران بوده و به معنای نگهدارنده «جهت» یا «سمت» اطلاق می‌شده در کتاب ابن خردادبه با عنوان بادوسبان آمده است (۵۶). که چهار مرزبان زیر دست داشته که در هیچ کتاب دیگری دیده نشده است (۵۷).

۵۱- ایضاً همان، ج ۱، ص ۱۵۶.

۵۲- ابن خردادبه. صص ۲۷-۲۸.

۵۳- ایضاً همان. ص ۳۰.

۵۴- ایضاً همان. صص ۴۵-۴۶-۹۶-۹۷.

۵۵- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۵۶- شهرهای ایران. پیکولوسکایا. ص ۲۴۳.

۵۷- ابن خردادبه. ص ۳۱. و نیز رنک، عصر زرین فرهنگ ایران. فرای. ص ۲۹.

قسمت اساسی کتاب شامل توصیف راههاست که از لحاظ تفصیل متفاوت است. نخست از راهی آغاز می‌کند که به سوی شمال شرقی تا آسیای وسطا و به سوی مشرق و تا هند می‌رود، همراه با ملاحظاتی کوتاه درباره تقسیم اداری و خراج و احیاناً هنگام سخن از مکانها شواهدی از شعر می‌آورد (۵۸).

ابن خردادبه درباره هند در سمت مشرق به تفصیل سخن می‌گوید، فقط تنها در باره آن بخش از هند که دنیای عرب با آن ارتباط مستقیم داشته، یعنی غرب مرز جغرافیایی صحرای تهار (۵۹) و کوههای شیشاهدری (۶۰) از رشته کوههای غربی هند (۶۱). سپس راه شمال شرقی بسوی ماوراءالنهر را توضیح می‌دهد، می‌گوید؛ زمانی این راه زیر سلطه امیر سراسر ماوراءالنهر یعنی کوشان شاه بوده است (۶۲). و نیز تعریف او درباره مسیر جاده‌ای که از ترکستان غربی به ترکستان شرقی ممتد بوده، مشروح‌ترین گفته‌هاست (۶۳). ابن خردادبه راه دریایی چین و هند را به صورت زنده‌ای توصیف کرده است (۶۴). چه نفوذ و قصه‌های دریایی که از آن سخن گفته شده مانند مالیاتی که مهراج از قمار برسر جنگیدن خروسهایش در روز می‌گرفته (۶۵). و نیز توجه وی به محصولات دریاها و جزیره‌ها از خلال گفتارش نمودار است، او به دست آمدن کافور را به تفصیل یاد می‌کند، و از فیل و کرگدن... و طبقاتی بودن جامعه هندوستان سخن می‌گوید (۶۶). ابن خردادبه همانند جغرافی‌دانان و سیاحان دیگر همیشه علاقه و توجه به گیاهان و جانوران نواحی گوناگون

۵۸- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱. ص ۱۵۷.

59- Thar

60- Shishahdri

۶۱- خدمات مسلمانان به جغرافیای اسلامی. ص ۲۷.

۶۲- ر.ک، ترکستان نامه، ج ۱. ص ۲۳۳.

۶۳- گزیده مقالات تحقیقی. بارتولد. ص ۲۰۸.

۶۴- ابن خردادبه. صص ۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷.

۶۵- ایضاً همان. ص ۶۷.

۶۶- ابن خردادبه. صص ۶۶-۶۷-۶۹.

داشته، او در اثر خود قسمتهایی را به آنها اختصاص داده است (۶۷).

او در مورد مغرب، راه تا اندلس را توصیف می کند، درباره راه هایی که به بیزانس می رود به تفصیل سخن می گوید؛ و از بازرگانان یهودی که از جنوب فرانسه از راه دریا به مصر می آمدند و تنگه سوئز را با پای پیاده می پیمودند، و سپس با کشتی به هندوستان می رفتند، و بعضی از آنها نیز برای منظورهای بازرگانی به سوریه آمده و اغلب از قسطنطنیه گذر می کردند، سخن می راند (۶۸).

درباره شخصی بنام مسلم جریمی مطالبی دارد (۶۹). توصیف مفصل او از روم که جویدی (۷۰) خاورشناس (۱۸۸۶-۱۹۴۶ م.) درباره آن تحقیق کرده، چون دیگر توضیحات روم که جغرافی شناسان عرب پیش از ادیسی آورده اند، از منابع مسیحی شرق گرفته شده و اهمیت چندان ندارد (۷۱).

راه شمال به سوی آذربایجان و قفقاز را توصیف کرده، و در شمردن شهرهای آذربایگان، تبریز را از آن محمد بن رواد و مرند را از آن محمد پسر بعیت و موغان را از آن شکله نامی و جابروان و نریز را از آن علی بن مر می داند (۷۲) که این توصیف اشاره به اسکان قبایل عرب در آذربایجان دارد. سپس راههایی را که در جهت جنوب به مکه و جزیره العرب می رود به دقت توصیف می کند، و منزلگاهها را از بصره و بغداد و مصر تا مکه یاد می کند (۷۳). درباره مصر هم می گوید؛ آنجا به نام مصر بن حام بن

۶۷- ایضاً همان. صص ۶۶-۶۷-۶۹. و نیز ر.ک، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه. ص ۳۵۵.

۶۸- ر.ک. ابن خردادبه. صص ۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴. و نیز ر.ک. میراث اسلام. ص ۲۰۱.

70- Guidi, Michelangelo.

۷۱- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱. ص ۱۵۷.

۷۲- ابن خردادبه. ص ۱۰۶. و نیز ر.ک، شهریاران گمنام. ص ۱۵۶.

۷۳- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱. ص ۱۵۷.

نوح (ع) است، و میزان خراج آنجا در زمان فرعون، هفتاد هزار هزار دینار بوده، اما در روزگار بنی‌امیه فقط ۲/۷۲۳/۸۳۷ دینار گرفته می‌شده است (۷۴). که هر دینار زمان فرعونی برابر با سه مثقال (طلا) بوده است (۷۵).

توصیف ابن خردادبه از بازرگانان روسی که از رود دن و ولگا می‌گذشتند و از دریای قزوین به سوی جنوب می‌آمدند، کم اهمیت نمی‌باشد (۷۶). ولی ظاهراً به نظر می‌رسد این قسمت را بعدها بر کتاب افزوده‌اند، اما در رونویس اصلی کتاب وجود داشته است (۷۷). و از آنجا به کتاب ابن فقیه (۲۹۰ هـ.) که با متن ابن خردادبه کمی تفاوت دارد، وارد شده است (۷۸). او همچنین از بازرگانان سقلابی «سقلابی» سخن می‌گوید، نه روس، و این قضیه موضوع تحقیقات فراوان شده که از این قسمت يك ترجمه دقیق به زبان روسی وجود دارد (۷۹).

ابن خردادبه در کتابش به وصف راهها بسنده نکرده، بلکه مطالب دیگری نیز دارد که احتمالاً بعدها به کتاب افزوده شده است. مانند گفتگو از تقسیم زمین (۸۰) که خطاهای مکرر دارد. در همان زمان به سبب شوق و تقاضای فراوانی که برای خواندن داستانهای عجیب و غریب و عجایب جهان، در بین عامه مردم رواج داشت. ابن خردادبه را نیز بر آن داشت که از ادبیات مربوط به عجایب سخن بگوید، او قصه گشودن اهرام مصر را در زمان ابن طولون بسیار دل‌انگیز و زیبا وصف می‌کند (۸۰).

۷۴- ابن خردادبه، صص ۷۷-۸۸.

۷۵- العبر. ابن خلدون. ترجمه، ج ۱. ص ۸۲.

۷۶- ابن خردادبه. ص ۱۳۲.

۷۷- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱ ص ۱۵۷.

۷۸- مختصر کتاب البلدان. ص ۲۷۱.

۷۹- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱ ص ۱۵۷.

۸۰- ابن خردادبه. ص ۱۳۲.

۸۱- ایضاً همان. صص ۱۳۷-۱۳۸.

سپس به داستان سفر سلام ترجمان اشاره می‌کند (۸۲). ابن خلدون انگیزه مسافرت او را خواب الوائق بالله خلیفه عباسی دانسته، گوید: خلیفه در خواب دید که سد [یا جوج و مأجوج] باز شده است... و حشت زده بر خاست، و سلام را بدان سوی روانه نمود (۸۳). مقدسی هم داستان سد را آورده و آنرا بنام سد ذوالقرنین خوانده و سند آنرا کتاب ابن خردادبه نقل کرده، می‌گوید؛ او وزیر خلیفه بود و بردانشهای انباشته در گنجینه‌های امیر مؤمنان دست داشته است (۸۴). و نیز داستان مأموریت علمی محمد بن موسی خوارزمی منجم (وفات ۲۱۷ هـ) به بیزانس و تحقیق درباره محل غار اصحاب کهف که از داستانهای شیرین آن زمان بوده در کتاب ابن خردادبه با آب و تاب فراوان آمده است (۸۵). این داستانها گرچه حکایت از ماجراجویی و جهانپویی مسلمانان اوایل دارد، ولی بنظر بیشتر آنها افسانه‌های شگفت‌انگیز ساختگی پیش نیست (۸۶). در خاتمه کتاب، ابن خردادبه از عجایب کوهها و رودها صحبت می‌کند. در جایی از کوههای پوشیده از برف آن طرف شهر کس «کش» سخن می‌گوید، که برف آن از سالیان دراز مانده و برف هر سال از سال دیگر ممتاز است، اگر شخص تیزبینی بدانها بنگرد، برف سالیهای پیشین را با خط سرخ تیره از یکدیگر تشخیص خواهد داد (۸۷). در اینجا ناگهان نسخه خطی کتاب تمام می‌شود، گویی کتاب خاتمه‌ای دارد، و ناقص به پایان می‌رسد (۸۸).

۲۸- ایضاً همان. صص ۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵.

۸۴- احسن التقاسیم. بخش ۲. ص ۵۳۱.

۸۳- مقدمه ابن خلدون، ج ۱. ص ۱۴۶.

۸۵- کارنامه اسلام. زرین کوب. صص ۳۷-۷۹-۸۰. و نیز ابن خردادبه. ص ۹۵.

۸۶- علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام. ص ۱۰۶.

۸۷- ابن خردادبه. ص ۱۵۶. و تاریخ بخارا. فرشخی. ص ۱۵۰.

۸۸- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱. ص ۱۵۷.

نقد کتاب :

کتاب ابن خردادبه از نظر سبک نگارش دو مایه جداگانه دارد. يك قسمت کتاب به مطالب خشک و رسمی برگزار می‌شود، که اهمیت فراوان دارد. و قسمت دیگر مجموعه‌ای از غرایب مختلف جغرافیایی است، و مولف برای هماهنگ کردن آنها کوششی نکرده است. بعلاوه کتاب محتاج به فصل‌بندی دقیق دارد، تا از این پراکندگی و بهم‌ریختگی بدرآید. بی‌گفتگو با توجه به اینکه مؤلف خود به این موضوع که میتواند از مدارك رسمی یعنی بایگانی دولتی آن زمان استفاده کند، ولی اطلاعات مختصر درباره بعضی مواضع داده، مثلا درباره راههای جنوب ایران (راههای فارس، کرمان، سیستان) سخن بمیان نیاورده، معلوم نیست چه انگیزه‌ای داشته است. شاید به دلیل دشمنی میان عباسیان و صفاریان در زمان خلیفه المعتمد بوده که او را برآن داشته، از راههای آن بلاد سخنی بمیان نیاورد. چون آن نواحی خارج از سلطه خلفا و مالیاتشان به بیت‌المال نمی‌رسیده است. بهر حال ابن خردادبه اطلاعات سودمندی درباره بسیاری از راههای سوق‌الجیشی و مهم آن زمان داده است.

در کتاب او بی‌دقتی‌های بسیار به چشم می‌خورد که معدودی از آنها را می‌توان سهو‌نساخ، و بعضی را خطای مؤلف دانست، برای مثال؛ تعریفی که درباره راه اردبیل به مراغه داده است می‌گوید: «... و من الدینور الی زنجان تسع و عشرون سکه، ثم الی مراغه احدی عشره سکه، ثم الی المیانج سکتان، ثم الی اردبیل احد عشرة سکه...» (۱۸۹).

در اینجا مواضع جغرافیایی را پس و پیش آورده، و فاصله مراغه تا میانج «میانه» را که امروزه بیش از ۱۲۰ کیلومتر راه و معادل ۲۴ فرسخ است، برابر با دو سکه «دوچاپار» آورده است، در حالیکه هر سکه را

خودش برابر با دو فرسخ و نیم ذکر می کند (۹۰).
 بهمین دلیل، ناهماهنگی قسمت‌هایی از کتاب، باعث شده جغرافی-
 دانان در ارزشیابی کار او اختلاف کنند، اما بهرحال برنوشته‌های
 جغرافیایی بعد از خودش نفوذ بسیار داشته است.

ابن خردادبه و خاورشناسان:

دو نسخه خطی از کتاب «المسالك والممالك» وی در دهه ششم
 قرن گذشته در محافل علمی اروپا شناخته شده و باعث گردید توجه
 مستشرقین به اثر او معطوف گردید. اراندنک (۹۱) (متولد ۱۸۸۱ م.) راجع
 به مؤلف (ابن خردادبه) صاحب ترجمه ایست. و باریبه دومینار (۹۱)
 (۱۸۲۷-۱۹۰۸ م.) خاورشناس معروف فرانسوی، کتاب «المسالك -
 والممالك». ابن خردادبه را ترجمه و چاپ نمود. دخویه (۹۳) (۱۸۳۲-
 ۱۹۰۹ م.) کتاب ابن خردادبه را همراه فرهنگ جغرافیایی عرب (در هشت
 مجلد) در سال ۱۸۸۹ م. به چاپ رسانید (۹۴). و در دهه هفتم قرن گذشته
 هم، کونیک (؟) (۹۵) و روزن (۱۸۵۶-۱۹۳۵ م.) (۹۶) خاور -
 شناسان روسی تحقیقات مهمی درباره المسالك والممالك ابن خردادبه
 کرده‌اند، و بارتولد مورخ بزرگ روسی، از کتاب ابن خردادبه، در آثارش
 تجلیل فراوان کرده است (۹۷).

آثار دیگر ابن خردادبه بنا به روایت ابن‌الندیم؛ کتاب الطبیخ «کتاب
 آشپزی»، کتاب ادب السماع «آداب شنیدن آواز و موسیقی»، کتاب

۹۰- ایضاً همان، ص ۱۰۵ «... فمن سن سمیره الى الدینور خمسة فراسخ (سکتان)».

91- C. Van Arendonk.

92- Barbier de Meynard.

93- De Goeje.

۹۴- فرهنگ خاورشناسان. سحاب. صص ۴۷-۵۵-۵۶-۱۵۷.

95- Kunik.

96- Rosen, Fr.

۹۷- تاریخ الادب الجغرافی، ج ۱. ص ۱۵۸.

جمهرة انساب الفرس والنوافل (النواقل) [این کتاب درباره انساب اصلی ایرانیان و اقوام قدیم است]، کتاب اللهو والملاهی (که دخویه آنرا بنام کتاب نوازندگی و آلات موسیقی به چاپ رسانده است. دانشنامه ایران و اسلام (ق. ۴. ص ۵۲۹)، کتاب الشراب، کتاب الانواء، کتاب الندماء والجلساء (درباره ندیمان وهم نشینان) (۹۸) می باشد.

کتاب اللهو والملاهی او که ابو العلاء معری (متوفی ۴۵۱ هـ.) از آن در رساله الغفران خود صحبت می کند. آنرا ابن خردادبه با استفاده از اصطلاحات فنی فارسی و اطلاعات تاریخی درباره موسیقی و موسیقی دانان نوشته، که مورد قبول ابو الفرج اصفهانی (متوفی ۳۵۷ هـ.) نبوده است (۹۹). اما به گفته مسعودی ابن خردادبه در موسیقی دانا و خبره بوده است، از گفتگوی او با معتمد عباسی که از وی درباره عود و خواننده سؤال کرده بود، گفته: «اولین کسی که عود ساخت لمک بن متوشلخ... آدم (ع) بود - و اما ای امیر مؤمنان نغمه گر ماهر کسی است که به نفس خود مسلط باشد و باظرافت از دستگاهی به دستگاه دیگر رود و نغمه های گوناگون آرد» (۱۰۰) بطوریکه می گویند، معتمد عباسی (۲۵۷ هـ - ۲۷۹ هـ.) تنها خلیفهای بوده است که در موسیقی مهارت داشته است (۱۰۱).

اما برجسته ترین اثر ابن خردادبه کتاب الکبیر فی التاریخ او بوده که از همه کتابهایش جامع تر و منظم تر و پرمایه تر بوده و از اخبار اقوام و سرگذشت ملوک عجم و دیگران سخن بسیار نقل می کند (۱۰۲). ولی متأسفانه این اثر او از بین رفته است، و ابن الندیم نیز در فهرستی که از

۹۸- الفهرست. صص ۲۴۵-۲۴۶.

۹۹- دانشنامه ایران و اسلام. ق ۴. ص ۵۲۹.

۱۰۰- مروج الذهب. ترجمه ج ۲. صص ۶۱۷-۶۳۰.

۱۰۱- تاریخ عرب. حتی، ص ۵۴۴.

۱۰۲- مروج الذهب. ج ۱، ص ۲۲.

آثار اومی دهد، از این کتاب نام می برد (۱۰۳) تنها ثعالبی (متوفی ۴۳۰ هـ.) است که در اثر خود بنام [غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم]، دربارهٔ انساب شاهان ایران قبل از اسلام، خصوصاً «شاهان ساسانی»، از کتاب تاریخ بزرگ ابن خردادابه استفاده فراوانی برده است (۱۰۴).

منابع و مأخذ

- ۱- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. مقدسی. لیدن - بریل، ۱۹۶۷ م.
- ۲- اکتفاء القنوع. ادوارد فنديک. با مقدمه آية الله العظمی مرعشی. قم. مطبعة بهمن، ۱۴۰۹ هـ. ق. / ۱۳۶۷ هـ.
- ۳- تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه. گردآورنده، ر.ن. فرای. ترجمه حسن انوشه. تهران. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۴- تاریخ الادب العربی. کراچکوفسکی. ترجمه صلاح الدین عثمان. بیروت - ادارة الثقافة فی جامعة الدول العربیة، ۱۹۷۵ م. در ۲ جلد (اصل روسی در لنینگراد چاپ شده).
- ۵- تاریخ ادبیات عرب: ج. م. عبدالجلیل. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۶- تاریخ بخارا. ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی (۲۸۶ - ۳۴۸). ترجمه ابونصر احمد بن محمد نصرالقبادی. تصحیح مدرس رضوی. تهران. انتشارات توس، ۱۳۶۳. چاپ دوم.
- ۷- تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی. مقبول احمد... ترجمه دکتر محمد حسن گنجی. تهران. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۶۸.

۱۰۳- الفهرست. صص ۲۴۵-۲۴۶.

۱۰۴- غرر اخبار الملوك الفرس و سیرهم. صص ۱۳۰-۲۵۷-۲۶۲-۳۷۸-۴۱۵-۴۴۴-

۴۵۸-۲۸۶-۵۵۶-۶۰۴.

- ۸- تاریخ عرب. فیلیپ. خلیل حتی. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران. انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۹- تاریخ غرر السیر المعروف به کتاب غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم. ابو منصور ثعالبی. تهران. مکتبه الاسدی، ۱۹۶۳ م.
- ۱۰- ترکستان نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول). و. و. بارتولد. ترجمه کریم کشاورز. تهران. انتشارات آگاه. ۲ جلد. چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۱- تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. آدامتز. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران. انتشارات امیرکبیر، ۲ جلد، ۱۳۶۲.
- ۱۲- التنبیه والاشراف. مسعودی. بیروت - لبنان. دارصعب. بی تاریخ.
- ۱۳- جهان نامه محمد نجیب بکران. به کوشش دکتر محمد امین ریاحی. تهران. انتشارات کتابخانه ابن سینا. ۱۳۴۲.
- ۱۴- خدمات مسلمانان به جغرافیا. دکتر نفیس احمد. ترجمه حسن لاهوتی. مشهد. بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۱۵- دانشنامه ایران و اسلام. زیر نظر احسان یارشاطر. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ق ۴، ۱۳۵۶.
- ۱۶- زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی. ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بخش یکم. چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۱۷- شهرها ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ن. پیگولوسکایا. ترجمه عنایت الله رضا. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۱۸- شهریاران گمنام. احمد کسروی. تهران. انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۵۵.
- ۱۹- العبر (تاریخ ابن خلدون). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران. مؤسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۳ جلد، ۱۳۶۳.

۲۰- عصر زرین فرهنگ ایران. ریچارد. ن. فرای. ترجمه مسعود رجب-
نیا. تهران. انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. چاپ
دوم، ۱۳۶۳.

۲۱- فرهنگ خاورشناسان. ابوالقاسم سحاب. تهران. مؤسسه جغرافیایی
و کارتوگرافی سحاب، چاپ دوم، ۱۳۵۶.

۲۲- الفهرست. ابن ندیم. ترجمه. م. رضا تجدد. تهران انتشارات کتابخانه
ابن سینا، ۱۳۴۳.

۲۳- کارنامه اسلام. عبدالحسین زرین کوب. تهران. انتشارات امیرکبیر،
۱۳۵۵.

۲۴- گزیده مقالات تحقیقی. و.و. بارتولد. ترجمه کریم کشاورز. تهران.
انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.

۲۵- مجله معارف اسلامی نشریه سازمان اوقاف، سال اول، شماره ۳،
مردادماه ۱۳۴۶.

۲۶- مختصر کتاب البلدان. ابی بکر احمد بن محمد الهمدانی معروف به
ابن فقیه. لیدن - بریل، ۱۹۶۷ م.

۲۷- مروج الذهب و معادن الجوهر. مسعودی. بیروت- لبنان، دارالاندلس،
۱۹۷۳ م / ۱۳۹۳ ه. ق.

۲۸- المسالك والممالك. ابن خردادبه. بکوشش الدكتور محمد مخزوم.
بیروت - لبنان. داراخبار التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق. / ۱۹۸۸ م.
چاپ اول.

۲۹- مقدمه. عبدالرحمن ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی.
تهران. نگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ چهارم، در دو جلد،
۱۳۵۹.

- ۳۰- میراث اسلام. به قلم جمعی از مستشرقین و استادان دانشگاه‌های انگلستان. زیر نظر سرتماس آرنولد و آلفرد گیوم. ترجمه مصطفی علم. تهران. انتشارات کتابفروشی مهر. بی‌تاریخ.
- ۳۱- نزهةالقلوب. حمدالله مستوفی قزوینی. به اهتمام و تصحیح گای لسترنج. تهران. انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۲.